

۲۲ مرداد روز تشکل‌ها؛

اجازه می‌دهیم، اما رها می‌کنیم نقدی بر روزی که تنها در تقویم، روز است

امروز را روز تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نام‌گذاری کرده‌اند؛ روزی برای بزرگداشت نهادهایی که قرار بود بازوی توانمند جامعه مدنی، صدای بی‌صدایان و هم‌دل دولت در حل مسائل اجتماعی باشند. اما پرسش این است: در روزی که به نام این نهادهاست، خود تشکل‌ها دارند چه می‌کشند؟

به گزارش خبرنگار گروه جامعه خبرگزاری گزارش خبر، ناهید مظفری خبرنگار و فعال رسانه ای و فرهنگی اجتماعی بافق در یادداشتی به مناسبت فرارسیدن ۲۲ مرداد ماه روز تشکل‌ها و مشارکت اجتماعی؛ نوشت:

متأسفانه در کشور ما، به نام توسعه مشارکت اجتماعی، از یک تشکل نوپا دعوت می‌شود، امید داده می‌شود و بالاخره پروانه فعالیت صادر می‌گردد. اما این‌جا پایان خوش‌بختی‌هاست؛ چرا که پس از صدور مجوز، تشکل به حال خود رها می‌شود.

از مجوز تا مسئولیت؛ فاصله‌ای که هیچ‌کس پُر نمی‌کند

به گفته این فعال اجتماعی، از یک سو، از این نهادها عملکرد، گزارش، شفافیت، و پاسخگویی مطالبه می‌شود؛ از سوی دیگر، نه بودجه‌ای در خور، نه فضای کاری در دسترس، نه حمایت آموزشی، نه حتی کمترین مشوق مالی یا معافیتی وجود دارد. گویی قرار است خیریه‌ای از جنس مردم، با دست خالی بار مشکلاتی را به دوش بکشد که نهادهای دولتی سال‌هاست از آن عاجز مانده‌اند.

فرمول تناقض‌آلود: بیش‌تر کار کنید، کمتر حمایت شوید

در شهرهایی همچون بافق و دیگر نقاط کشور، تجربه مشترکی میان فعالان اجتماعی روایت می‌شود:

مجوز می‌گیریم اما برای استقرار، حتی یک اتاق در اختیارمان نمی‌گذارند.

کار می‌کنیم اما بیمه، حقوق پرسنل حتی یک نیرو و هزینه‌های جاری بر دوش خودمان می‌ماند.

گزارش می‌خواهند اما میزان حمایت، هیچ تناسبی با حجم مسئولیت‌ها ندارد.

و در نهایت اگر کوچک‌ترین خطایی هم رخ دهد، پای پیگیری، استعلام و حتی لغو مجوز در میان است؛ بدون آن‌که همان‌قدر جدیت، برای حمایت دیده شود.

این وضعیت، تشکل‌ها را به دو گروه ناخواسته تقسیم می‌کند: آن‌ها که با هزینه شخصی اعضا، نفس‌گیر کار می‌کنند و آن‌ها که از فرط ناامیدی، به تشکل‌های لوح‌نشین و بی‌روح بدل می‌شوند؛ نهادهایی که فقط روی کاغذ مجوز وجود دارند.

کارکردهای کور؛ از امیدواری تا فرسودگی

باید پذیرفت مشارکت اجتماعی، روی کاغذ در اسناد بالادستی، شعارهای توسعه‌ای و جلسات سالانه، حضوری پررنگ دارد؛ اما در میدان عمل، حضور آن‌ها بیش‌تر شبیه یک نیروی کمکی رایگان است تا یک شریک واقعی در اداره امور. نتیجه؟ خستگی، فرسودگی و بی‌اعتمادی میان نسل جوانی که روزی با شور انقلابی مدنی به میدان آمده بود.

روز تشکل‌ها؛ فقط یک مناسبت تقویمی؟

اگر واقعاً به مشارکت اجتماعی باور داریم، مرور یک روز در تقویم کافی نیست. این روز، می‌تواند آغازگر یک بازنگری صادقانه باشد:

حمایت، نه صرفاً مجوز: صدور مجوز باید همراه با بسته حمایتی قابل‌لمس (فضای کاری، آموزش، بیمه، و امکان جذب منابع) باشد.

شفافیت، نه فقط مسئولیت: اگر از تشکل‌ها شفافیت می‌خواهیم، آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌سازی، تخصیص و بودجه شریک کنیم، نه صرفاً مسئول سرانجام کار.

هم‌بخشی واقعی: تشکل‌ها را به جای اجیر طرح‌های دولتی، هم‌طراز و هم‌پیمان اجتماعی ببینیم.

روز تشکل‌ها، فرصتی است برای یک اعتراف صادقانه به خودمان: تا وقتی فقط مجوز می‌دهیم و عملکرد می‌خواهیم، اما حمایتی نمی‌کنیم، مشارکت

اجتماعی در کشور ما فقط یک شعار زیبا برای تقویم خواهد ماند.

امروز، اگر قرار است روزی واقعی برای تشکله‌ها باشد، بهتر است آن را نه با پیام تبریک، بلکه با یک تصمیم جدی برای حمایت عادلانه جشن بگیریم. بانوان و مردان دلسوزی که با دست خالی، چراغ امید را در جامعه روشن نگه داشته‌اند، بیش از یک تبریک، پشتیبانی واقعی سزاوارند.